

The Historical Manifestation of Hazrat Jafar ibn Abi Talib in Old Persian

Poetry

Seyyed Mehdi Hashemi,¹

(DOI): [10.22034/skh.2024.19694.1570](https://doi.org/10.22034/skh.2024.19694.1570)

Abstract

Original Article
P 104 -124

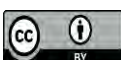
Ja'far ibn Abi Talib is a prominent Islamic figure who holds a high position in Persian culture. The description of Hazrat Ja'far's migration to Abyssinia and the story of his confrontation with the pagan envoys of Mecca against Negus, his epics and bravery, and the story of his unique martyrdom are presented in various genres such as praise, mythical and epic poems, historical, and lamentable poems. The oldest Persian poems about Hazrat Jafar express his bravery and sacrifice for the cause of God, and the latest poems are in the nature of elegy and mourning. It seems that Manouchehri Damghani, Abu Hanifa Iskafi, and Nasser Khosrow are the first poets whose verses about Jafar ibn Abi Talib have survived; The majority of Persian poems about Hazrat Jafar provide a mystical interpretation of the events of his martyrdom. In this study, out of dozens of poems by ancient Persian-speaking poets, only those poems that refer to a historical event and contain a historical narrative about that event were examined. The pride in his kinship, the story of his migration to Abyssinia, his poetry, his bravery and warlikeness, the cutting off of his hands and the granting of heavenly wings to him are among the matters that Persian poets have addressed, and these poems refer to a historical narrative.

Keywords: Jafar ibn Abi Talib, Old Persian poetry, Historical manifestation, Persian poets.

1. PhD student in the History of Islamic Civilization, Al-Mustafa International University Afghanistan

Seyyed Mehdi _Hashemi @miu.ac.ir

Received: 2024-10-20 | Revised: 2024-10-26 | Accepted: 2024-10-26



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تجلی تاریخی حضرت جعفر بن ابی طالب (ع) در شعر

کهن فارسی

سید مهدی هاشمی^۱

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/skh.2024.19694.1570](https://doi.org/10.22034/skh.2024.19694.1570)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

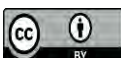
ص: ۱۲۴/۱۰۴

جعفر بن ابیطالب (ع) از چهره های شاخص اسلامی است که در فرهنگ فارسی جایگاه رفیعی دارد. شرح هجرت حضرت جعفر (ع) به حبشه و داستان رویارویی ایشان با فرستادگان مشرکین مکه در مقابل نجاشی، حماسه ها و رشادت های او و داستان شهادت منحصر بفرد ایشان در گونه های مختلفی همچون مدح، اشعار اسطوره ای و حماسی، اشعار عرفانی، تاریخی و مراثی آمده است. قدیمی ترین اشعار فارسی درباره حضرت جعفر بیانگر سلحشوری و ازجان گذشتگی ایشان در راه خدا است و متأخرترین اشعار جنبه مرثیه و عزاداری دارد. به نظر می رسد منوچهری دامغانی، ابوحنیفه اسکافی و ناصر خسرو اولین شاعرانی باشند که ابیاتشان در مورد جعفر بن ابیطالب برجای مانده است؛ بخش اعظم اشعار فارسی درباره حضرت جعفر علیه السلام ارائه کننده تفسیر عرفانی از حوادث شهادت ایشان می باشد، در این پژوهش از بین ده ها شعر از شاعران کهن پارسی گوی فقط اشعاری مورد بررسی قرار گرفت که اشاره به واقعه ای تاریخی داشته و روایتی تاریخی درباره آن واقعه موجود باشد. مباحث به خویشتاوندی ایشان، داستان هجرت به حبشه، سرایش شعر توسط ایشان، دلیری و جنگاوری ایشان، قطع دستان و اعطای بال های بهشتی به ایشان از جمله مواردی است که شاعران فارسی به آنها پرداخته اند و این اشعار اشاره به روایتی تاریخی دارند.

^۱. دانشجوی دکتری تاریخ تمدن اسلامی مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی جامعه المصطفی، افغانستان

Seyyed Mehdi _Hashemi @miu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۹ | تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵



۱۰۶ سخن تاریخ / سال هجدهم، شماره ۴۸، زمستان ۱۴۰۳

کلیدواژه ها: جعفر بن ابیطالب، شعر کهن فارسی، تجلی تاریخی، شاعران فارسی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

گنجینه ارزشمند ادب فارسی همانند چشمه‌ای جوشان سیراب کننده و تداوم دهنده حیات فرهنگی و عامل همبستگی جوامعی می‌باشد که از گذشته‌های دور تاکنون اشتراکات فرهنگی ایشان در قالب شعر و ادب فارسی ثبت و ضبط گردیده است. شعر فارسی فاخرترین قالب بیان، حفظ و انتقال افکار، عقائد، اندیشه‌ها، تاریخ، اسطوره‌ها و دیگر داشته‌های فرهنگی تمدن فارسی به نسل‌های بعدی بوده است.

آموزه‌های دینی بخش بزرگی از ادبیات فارسی را به خود اختصاص داده است و الگوهای دینی و شخصیت‌های تأثیرگذار تاریخ اسلام بر اساس آنچه در زمانه و در بین مردم رایج بوده است در شعر فارسی هم انعکاس پیدا کرده‌اند. حضرت جعفر بن ابیطالب (ع) از جمله شخصیت‌هایی است که جایگاه رفیعی در ادبیات جهان اسلام دارد، تا جاییکه علاوه بر پرداختن شعرای مختلف در ادوار مختلف به ایشان، تعدادی از مشهورترین قصه‌های همه دوران‌های فرهنگ فارسی، روایت هجرت، شهادت و پاداش بال‌های بهشتی ایشان می‌باشد، همچنین در مجموعه‌های داستانی همچون حمزه نامه‌ها و صاحب‌قران نامه‌ها و نظایر آن حضرت جعفر به عنوان یکی از اسطوره‌های حماسی ادب فارسی نقش دارد.

حضرت جعفر بن ابیطالب از چهره‌های بسیار محبوب فرهنگی در شعر و نثر فارسی می‌باشد؛ شرح جایگاه ایشان نزد پیامبر و مقام ایشان در بهشت، جانبازی، سلحشوری و از جان گذشتگی و حمایت ایشان از پسرعموی خود پیامبر خدا، داستان هجرت ایشان به حبشه و دفاع از اسلام و مسلمانان در مقابل نمایندگان مشرکین در دربار نجاشی و تأثیر بیانات ایشان بر پادشاه حبشه و شکست نمایندگان کفر بخشی از سرگذشت پرافتخار حضرت جعفر می‌باشد که در ادبیات فارسی منعکس گردیده است.

پس از بازگشت ایشان از حبشه و سرور پیامبر از بازگشت ایشان، حضرت جعفر همواره در رکاب پیامبر بوده تا در نبرد موته، پرچم دار سپاه اسلام می‌گردد و در این جنگ رشادت بی نظیر و ترازوی شهادت جانگداز او مایه سرایش‌های فراوان گردیده است.

پیامبر (ص) رثای جعفر را بزرگداشت و شاعران عرب در وصف و رثای جعفر بن ابی طالب بسیار سرودند. از حسان بن ثابت، شاعر پیامبر اکرم (ص) اشعار متعددی در سوگ جعفر نقل شده که ترجمه یکی (ابن هشام، ۱۳۵۵ ج ۲: ۱۳۸۳) از این اشعار اینگونه است:

در یثرب، شبی سخت و دشوار، اندوه بسیار به من روی آورد که خواب از چشمم ربود، در حالی که همگان خواب بودند. آری، یاد دوست، اشک از چشمانم جاری ساخت. به حقیقت، یادآوری، همواره مایه ی گریه است. روزی که این سه تن (جعفر، زیدبن حارثه، عبدالله بن رواحه) فرماندهی مسلمانان را بر دوش گرفتند، شخصیتی بزرگ از خاندان بنی هاشم، آنان را به سوی شهادت رهبری می کرد. او مرد دلیری بود که هرگز زیر بار ستم نمی رفت. چهره ای نورانی و سیمایی درخشان داشت و به همه ی نیکی ها آراسته بود. او آن قدر در راه خدا جنگید تا شهید شد و پیکر پاکش در میدان جنگ و میان نیزه ها و شمشیرهای شکسته آرمید. او در راه خدا به شهادت رسید و پاداشش فردوس برین و باغ های سرسبز و خرم بهشتی است. جعفر بن ابی طالب در وفاداری، تدبیر و پختگی شبیه پیامبر بود. اگر جعفر در راه اسلام شهید شد، شگفت آور نیست؛ زیرا همواره مردانی از بنی هاشم بوده اند که تکیه ی اسلام و مایه ی فخر و عزت مسلمانان بوده اند^۱

کعب بن مالک نیز درباره ی حضرت جعفر اشعاری سروده است. (ابن هشام، ۱۳۵۵ ج ۴ : ۳۸۶) که ترجمه ی بخشی از آن چنین است:

چشم ها به خواب رفتند، ولی اشک چشم من مانند باران، ریزان است. گویا میان سینه ی من از این غم و اندوه شراره ی آتش زبانه می کشد؛ اندوه بر آن مردانی که در جنگ مویه برابر دشمن پایداری و کوشش کرده، از جای خود عقب نشینی نکردند. درود خدا بر آن جوانمردانی که ابرهای ریزان بر استخوان هایشان بارید. راهنمای ایشان و جلودارشان جعفر و پرچمش بود و راستی، چه بسیار جلودار و پیشروی خوبی بود. در نتیجه ی جنگی که شد، صف های لشکر پراکنده شدند و جعفر که او را از هر سوی سخت احاطه کرده بودند، به زمین افتاد. آن روز، فقیران و مستمندان در سوگ فرو رفتند؛ زیرا «پدر بیچارگان» را از دست داده بودند. مرگ جعفر به اندازه ای تلخ و دردناک بود که ماه درخشان در سوگ او تیره شد و آفتاب پرنور کسوف کرد و نزدیک بود برای ابد از عالمیان چهره پپوشاند. او از قومی بود که به وسیله ی آنان، خداوند بندگان را یاری کرد و بر آنان کتاب آسمانی فرود آورد. خدای تعالی راهنمایی ایشان را برای آفریدگان خویش پذیرفت و به وسیله ی جدشان (عبدالمطلب) یا به تیزی شمشیر ایشان، پیامبر مرسل خود را یاری کرد. سفیدرویی که در روزگاران قحطی، مردم بسیار از خوان جود و کرم ایشان بهره مند می شدند. (سید نژاد، ۱۳۸۹ : ۱۰۲)

۱. تَأْوِنِي لَيْلٌ يَثْرِبُ أَعْسَرُ وَ هَمٌّ إِذَا مَا نَوَمَ النَّاسُ مَسْهَرٌ * لَذَكْرَى حَبِيبٍ هَيَّجَتْ لِي عِبْرَةً سَفُوحًا وَ أَسْبَابَ الْبُكَاءِ التَّذَكُّرُ...

ابن کثیر این قصیده را از اسماء بنت عمیس در رثای شوهرش، حضرت جعفر نقل کرده است:

فألّیت لاتنفک نفسی حزینة علیک ولاینفک جلدی اغبرا
فلله عینا من رای مثله فتی اکر و احمر قی الهیاج و اصبرا

(ابن کثیر، ۱۴۰۸ ج ۴: ص ۳۵۳)

«سوگند خورده‌ام که هیچ گاه از غم تو رها نشوم و پوست بدنم همواره غبارآلوده بماند. به خدا سوگند تاکنون چشمی، جوانی حمله‌آورتر و سخت‌تر و صبورتر از او در نبرد ندیده است.»

این مراثی منظوم اولین سروده‌ها در وصف و رثای حضرت جعفر بن ابیطالب بودند و یاد ایشان تاکنون در نظم و نثر عرب جاودانه می‌باشد اما در دیگر سوی جهان اسلام و در قلمرو زبان دوم تمدن اسلامی تأثیر فرهنگی حضرت جعفر کمتر از تأثیر ایشان در فرهنگ عربی نبود و این تأثیر تجلیاتی داشت که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت. این تحقیق با بررسی ابیات برجای مانده از میراث کهن شعر فارسی - از شاعران اولیه پارسی تا آنان که پیش از صد سال گذشته می‌زیسته‌اند - که در مورد حضرت جعفر سروده شده یا وجهی از شخصیت ایشان در آن ذکر گردیده، می‌کوشد تا با بررسی این گونه از اشعار جایگاه ایشان در فرهنگ فارسی زبانان و تأثیرات ایشان بر فرهنگ و ادب فارسی را بررسی نماید. مبنای طرح اشعار بر اساس تقدم و تأخر زمانی نبوده و اشعاری که در باره حادثه‌ای تاریخی سروده شده یا اشارتی دارند در ذیل آن واقعه بررسی خواهند شد.

پیشینه پژوهش:

در مورد جایگاه حضرت جعفر در ادبیات فارسی پژوهشی تا کنون انجام نگردیده است. پیش از این در باره شخصیت های دینی همچون رسول اکرم (ص)^۱، امیر مؤمنان علی (ع)^۲، حضرت فاطمه

۱. نک: بزرگ بیگدلی سعید، صادقی گیوی مریم، بازتاب شخصیت پیامبر (ص) در شعر معاصر فارسی، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، شماره ۹ - همچنین: نسرين بیرانوند، ناصر کاظم خانلو، پیمان معمارزاده، سیمای پیامبر در آینه شعر فارسی، همایش گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، دانشگاه محقق اردبیلی، ۱۳۹۴ - همچنین: صفری جهانگیر، رضایی روشنگر، سیمای پیامبر اعظم (ص) در دیوان خاقانی شروانی، پژوهش زبان و ادبیات فارسی ۱۳۸۶ شماره ۹

۲. نک: رضا نژاد امیر دهی محمدی سنبل، تجلی حضرت امیرالمومنین در عرفان و شعر، فقه و حقوق نوین سال اول بهار ۱۳۹۹ شماره ۱ - همچنین: یلمه ها احمد رضا، رجبی مسلم، تجلی قرآنی - شاعرانه حضرت علی (ع) در شعر کهن فارسی، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۸، شماره ۳۱ - شماره پیاپی - همچنین: کاظم خانلو ناصر، آویزنگی شیلان، سیمای حضرت علی در اشعار ناصر خسرو، دومین همایش ملی بازشناسی مشاهیر و مفاخر خراسان در ادب فارسی، ۱۳۹۶ - همچنین: شجری رضا، عربشاهی کاشی الهام، تحلیل و بررسی نبرد با اژدها

(س)^۱، امام رضا (ع)^۲، حضرت مهدی (عج)^۳، حضرت زینب (س)^۴، پیامبران الهی مانند حضرت موسی (ع)^۵، حضرت یوسف (ع)^۶، حضرت داوود (ع)^۷ در شعر فارسی کتب و مقالاتی نوشته شده است. در مورد حضرت حمزه عموی گرامی پیامبر اسلام که جایگاه مشابهی با حضرت جعفر در فرهنگ اسلامی دارد بجز آنچه در مورد حمزه نامه ها انجام گردیده چندین مقاله مشابه انجام گردیده است. در مقاله "تجلی حضرت حمزه در شعر کهن فارسی" به تجلیات تاریخی، عرفانی و حماسی حضرت حمزه در شعر فارسی پرداخته شده است.^۸ در مقاله ای دیگر با عنوان "تحلیل گفتمان انتقادی در حکایت «درآمدن حمزه در جنگ، بی زره» با تکیه بر نظریه نورمن فرکلاف"^۹ گفتمان تولید کننده اثر بررسی گردیده است.

-
- از اسطوره و حماسه تا شعر آیینی (با تأکید بر روایت کشتن اژدها در مهد توسط حضرت علی علیه السلام)، پژوهشنامه ادب حماسی، سال هفدهم، شماره اول، پیاپی ۳۱، بهار و تابستان ۱- همچنین: صرفی محمدرضا، گونه شناسی اوصاف حضرت علی (ع) در شعر فارسی، فرهنگ بهار تا تابستان ۱۳۷۹ شماره ۳۳ تا ۳۶
۱. نک: یوسفی محمدرضا، عشقی طلیعه، سیمای حضرت فاطمه (ع) در آینه شعر حکیم سنایی و ناصر خسرو، شیعه شناسی - بهار ۱۳۸۶ - شماره ۱۷
۲. نک: خومحمدی خیرآبادی سعید، نوربان سعید، سرود هشتم تجلی حضرت علی بن موسی الرضا (ع) در شعر شاعران ایرانی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اردبیل، ۱۳۸۷
۳. نک: تاج بخش اسماعیل، نظری الهام، رویارویی حضرت مهدی (عج) و حضرت مسیح (ع) با دجال در شعر فارسی با تکیه بر آیات و روایات اسلامی، فصلنامه سراج منیر، پیاپی ۲۷ (تابستان ۱۳۹۶) - همچنین:
۴. نک: شرفشاهی کامران، کتاب نقد تابستان و پاییز ۱۳۹۲ شماره ۶۷ و ۶۸
۵. نک: مرادی محمد، امینی محمدرضا، کرمی محمدحسین، بررسی تحلیلی سیمای پیامبران و امامان (ع) در شعر غنایی دوره سامانی، پژوهش های ادب عرفانی (گوهر گویا)، دوره ۶، شماره ۱، شماره پیاپی ۱ بهار و تابستان ۱۳۹۱
۶. نک: امیری خراسانی احمد، صرفی محمدرضا، زاهدی عباس، کارکردهای داستان حضرت موسی (ع) در شعر سبک خراسانی و عراقی، فصلنامه پژوهش های ادبی قرآنی، دانشگاه اراک، دوره ۵، شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۷ بهار ۱۳۹۶
۷. نک: سرگزنی احمد علی، پایان نامه تجلی شاعرانه داستان حضرت یوسف (ع) در شعر شاعران سبک خراسانی، دانشگاه زابل - دانشکده ادبیات و علوم انسانی
۸. نک: رنجبر لیل، پایان نامه تجلی حضرت داوود (ع) در شعر شاعران برجسته فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سیرجان
۹. نک: هاشمی، مهدی، تجلی حضرت حمزه در شعر کهن فارسی، مطالعات تاریخی جهان اسلام، ۱۴۰۰ - دوره: ۹ - شماره: ۲۰ - ص ۱۳۹-۱۷۲
۱۰. نک: موسوی رقیه، پشت دار علی محمد، تحلیل گفتمان انتقادی در حکایت «درآمدن حمزه در جنگ، بی زره» با تکیه بر نظریه نورمن فرکلاف،
- ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی سال شانزدهم تابستان ۱۳۹۹ شماره ۵۹

تحلیل و بررسی:

تجلیات تاریخی حضرت جعفر در شعر کهن فارسی

مهمترین رویدادهای تاریخی فرهنگ فارسی در قالب شعر جاودانه شده است، تاریخ نگاری منظوم به عنوان سبکی از تاریخ نگاری مطابق با الگوی شاهنامه، توسط مسعودی مروزی پایه گذاری گردید و پس از او ابو منصور محمد بن احمد توسی دقیقی شاهنامه ای نوشت که فردوسی هزار بیت آن را در شاهنامه خود آورده است، اگرچه تاریخنگاری این شاعران همراه با حماسه و اسطوره می باشد و ارزش تاریخی روایات آنها دچار خلل می گردد، اما ایشان بنیان سبکی در ادبیات فارسی را نهادند که ده ها کتاب همچون گرشاسپ نامه، افتخارنامه، ظفرنامه، همایون نامه، غازان نامه، خاوران نامه، حمله حیدری، حمزه نامه و غیر آن از آن تقلید نموده اند. (هاشمی، ۱۴۰۰: ۱۳۹)

مباهات به برادری حضرت جعفر در بیان امیرالمؤمنین علی (ع)

علی نامه از قدیمی ترین تواریخ منظوم فارسی است که با فاصله کمی از شاهنامه سروده شده است شاعر شخصی به نام ربیع است که در ۴۸۲ هجری قمری منظومه خود را به انجام رسانده است. (ربیع، ۱۳۹۰: ۲۰) او در جای جای کتاب منبع ذکر روایات تاریخی خود را ابومخنف اعلام می کند، (ربیع، ۱۳۹۰: ۱۷) علی نامه کهن ترین منظومه حماسی شیعی شناخته شده از نیمه دوم قرن پنجم هجری است و موضوع آن جنگ های جمل، صفین، مناقب و کرامات حضرت علی (ع) است که شاعر دوازده امامی آن، این اثر را در نزدیک به ۱۲ هزار بیت سروده است. در چند جای این منظومه به فراخور بیان روایت تاریخی، حضرت جعفر (ع) ذکر گردیده است. شاعر علی نامه در بیان وقایع جنگ صفین به نامه ای که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در پاسخ به نامه معاویه که مفاخر خود را بر شمرده بود و حضرت در مقابل نامه ای با ذکر افتخارات خود برای معاویه فرستادند و در بخشی از آن ضمن مباهات به برادری حضرت جعفر بیان میدارند که من برادر جعفر نامداری هستم که در بهشت با ملائک پران است:

نویسنده نامه حیدر علی است	که یزدان جان آفرین را ولی است
وصی نبی ابن عم مصطفی	امام شریعت به حق مرتضی
امامی که او پور بوطالب است	ز نسل گزین فهر بن غالب است
امامی که چون حمزه بد عم وی	چو هست از دم مصطفی دم وی
و همزاد این نامور جعفر است	که بر آسمان با ملک همپا است

(ربیع، ۱۳۹۰: ۱۲۳)

نامه ای مورد نظر شاعر می تواند نامه ۲۸ نهج البلاغه باشد که امام علیه السلام، خطاب به معاویه می نویسد: «... او لا تری انّ قوما قطعّ ایدیهم فی سبیل الله و لکلّ فضل - حتی اذا فعل بواحدنا ما فعل بواحدهم قیل: الطیّار فی الجنّة و ذو الجنّاحین؛ آیا نمی بینی که گروهی دستشان در راه خدا قطع می شود، گر چه همه آنها دارای فضیلت هستند، اما وقتی به یکی از ما اهل بیت واقع شود نظیر آنچه به دیگران واقع می گردد، به او لقب داده می شود: پرنده بهشت و صاحب دو بال بهشتی. (نهج البلاغه، نامه، ۲۸)

شاعر علی نامه در جای دیگری از ماجرای صفین داستان به میدان رفتن علی علیه السلام و به مبارزه طلبیدن معاویه را بیان می کند و در ابتدای ابیات منبع خود را ابومخنف ذکر می کند در این ابیات هنگامی که امیرالمؤمنین در مقابل سپاه دشمن خود را معرفی می کند یکی از افتخارات خود را برادری جعفر طیار بیان می دارد.

چنین آورد لوط یحیی خبر	در این حال بومخنف نامور ^۱
یکی رفت از آن پس در آوردگاه	امام هدی حیدر دین پناه
چو نزدیک دشمن شد آن آفتاب	به دشمن نمود آن رخ در ناب
چو دشمن بدید آن درفشنده نور	دل دشمن از بیم شد ناصبور
همی گفت حیدر که یا ظالمان	ببینید روی مرا این زمان
منم ابن بوطالب ای اهل شام	وصی محمد علیه السلام
مرا هست عمران پدر کاو عم مصطفاست	برادر چو جعفر پیران در سماست

(ربیع، ۱۳۹۰: ۳۷۸)

ربیع در وقایع جنگ صفین نیز به نامه نگاری بین معاویه و حضرت امیر المومنین (ع) اشاره می کند و باز در این نامه هم حضرت به خاندان خود بالیده پس از مباحثات به پدر بزرگوار و پسر عموی گرامیشان رسول اکرم (ص) و حضرت حمزه و همسری فاطمه زهرا (س)، برادری حضرت جعفر را مایه سربلندی دانسته به پرواز آن حضرت با ملائک در بهشت اشاره می نماید:

^۱. أبو مخنف لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف بن سلیم الغامدی الأزدی در گذشته به سال ۱۵۷ هجری قمری

منم ابن عمران که هستش لقب	ابوطالب و زین و فخر عرب
نداند که من پور بوطالبم؟	ز نسل گزین فخر بن غالب؟
منم بن عم مصطفای گزین	ولی خداوند، شیر عرین
منم نفس آن سید الانبیا	وصی نبی سید الاوصیا
مرا حمزه عم است عمران پدر	ز پشت منند این شبیر و شبر
منم جفت نور گزیده رسول	سرور پیمبر گزیده بتول
مرا اخ و هم زاد آن جعفر است	که تا محشر او با ملک هم پر است
همی پرد او با ملک در بهشت	چنین است ما را نژاد و سرشت

(ربیع، ۱۳۹۰: ۴۵۵)

افتخار امام حسین (ع) به عموی خود جعفر:

بخش بزرگی از ایباتی که شاعران حضرت جعفر را در آن ستوده اند به افتخار به قرابت با ایشان اختصاص دارد، اینگونه اشعار از صدر اسلام رواج داشته است و نمونه آن اشعاری است که امام حسین علیه السلام در مقابل دشمن در روز عاشورا بیان داشته اند و یکی از افتخارات خود را عموی خویش حضرت جعفر برشمرده اند: (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ج ۲: ۹۶)

أنا ابن علی الطهر من آل هاشم	کفانی بهذا مفخراً حین افخر
و جدی رسول الله اکرم من مشی	ونحن سراج الله فی الحق یزهر
و فاطمة أمی، سلاله أحمد	و عمی یدعی ذوالجناحین جعفر
و فیما کتاب الله انزل صادقاً	و فیما الهدی والوحی والخیر یذکر
و نحن ولایة الحوض نسقی ولاتنا	بکأس رسول الله مالیس نذکر
و شیعتنا فی الناس اکرم شیعة	و مبغضنا یوم القیامة یخسر

(ابومخنف، ۱۳۹۸: ۱۱۹) (طبرسی، ۱۴۰۳ ج ۲: ۳۰۰) (مجلسی، ۱۴۰۳ ج ۴۵: ۴۷)

میرزا احمد الهامی کرمانشاهی زاده ۱۲۶۴ هجری قمری و درگذشته ۱۳۲۵، شاعر آیینی ملقب به «فردوسی حسینی» و متخلص به «الهامی» است. مهمترین اثر وی منظومه چهار خیابان باغ فردوس یا شاهنامه است که در قالب مثنوی و بر وزن و طرز شاهنامه فردوسی در شرح وقایع کربلا

سروده شده است. الهامی داستان به میدان رفتن امام حسین (ع) و اتمام حجت با دشمنان و خواندن اشعار فوق الذکر را این چنین منظوم نموده است:

برافکند اسب نبی زی سپاه	درآمد به میدان آوردگاه
چو او را بدیدند اهل عراق	نبی (ع) بود گفتی به پشت براق
وزان پس دردرج گوهر گشود	یکی خطبه چنان که باید سرود
بگفتا که ای قوم پرخاشگر	مرا می شناسید جد و پدر
همان بانوی خلد مادر مرا	حسن (ع) نام گستر برادر مرا
همان جده ام مام پاک بتول (ع)	که کرد او نخست این بهین دین قبول
همان حمزه و جعفر اعمام من	همان دودمان نکونام من

(الهامی، ۱۳۹۴ : ۱۷۹)

و در جای دیگری نیز افتخار امام حسین (ع) به حضرت جعفر را اینچنین روایت کرده است:

به گیتی شه اهل بینش منم	همان مرکز آفرینش منم
بود عم من جعفر نامور	که دادش خدا از زمرد دو پر
در آن گرم هنگامه ی واپسین	که همچون مس تفته گردد زمین
نماییم از کوثر و سلسبیل	من و باب بر دوستانمان سیل

(الهامی، ۱۳۹۴ : ۳۵۰)

جایگاه حضرت جعفر نزد رسول اکرم(ص)

روایت شده که پیامبر(ص) فرمود: مردم از درخت‌های مختلف خلق شده‌اند؛ اما من و جعفر مانند یک درخت هستیم و از یک گل آفریده شدیم. (اصفهانی، ۱۳۸۵ : ۳۴) (مغربی، ۱۴۱۴ : ۲۰۵)

همچنین در روایتی از ابوسعید خدری رسیده که رسول خدا (ص) فرمود: بهترین مردمان حمزه و جعفر و علی بن ابی طالب (ع) می‌باشند، و همچنین فرموده: مردم از ریشه و درختان مختلفی هستند اما من و دو پسران ابوطالب از یک درختیم، علی اصل من و جعفر فرع من است. (عاملی، ۱۴۲۱ : ۴) (شوشتری، ۱۴۲۴ ج ۲: ۶۰۶)

شرف‌الادباء شهاب‌الدین ادیب صابر بن اسماعیل ترمذی کشته شده به سال ۵۴۶ هجری قمری از شعرای عهد سلجوقی و خوارزمشاهی است که این جایگاه رفیع را به شعر در آورده است.

برابر کی بود با او هر آن کو نسبتی دارد همه انگشت ما بر دست ما هموار کی باشد
به قدر و مرتبت هر حیدری کرار کی گردد به جاه و مرتبت هر جعفری طیار کی باشد

(ادیب صابر، ۱۳۳۱: ۱۰۳)

حضرت جعفر اولین سفیر اسلام در دولت‌های خارجی، سرپرست مهاجرین به حبشه و همچنین فرمانده جنگ موته منصوب از طرف پیامبر (ص) بود. (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۲۳۴) این وظایف خطیر نشان دهنده اعتماد پیامبر (ص) به ایشان است که ادیب الممالک فراهانی در شعری بدان اشاره دارد. محمد صادق پسر حاجی میرزا حسین فراهانی زاده ۱۱ مرداد ۱۲۳۹ هجری شمسی در گازران از توابع شهرستان خنداب در استان مرکزی - درگذشته ۱۲۹۶ هجری شمسی ملقب به «ادیب الممالک فراهانی» و «امیرالشعرا»، و متخلص به «امیری» شاعر، ادیب و روزنامه‌نگار دوره مشروطه است او اعتماد پیامبر به حضرت جعفر را مصداق اتم اعتماد بیان می‌کند:

ز آنکه بر او اعتماد دارد چندانک داشت رسول خدا به جعفر طیار

(فراهانی، ۱۳۱۲: ۲۴۱)

ملا فتح‌الله وفایی شوشتری زاده ۱۲۰۸ شمسی و درگذشته ۱۳۰۳ شمسی در نجف اشرف، شاعر، صوفی و عارف قرن سیزدهم هجری بود. از حکیم وفایی شوشتری که در عصر قاجاریه می‌زیست چند اثر از جمله دیوان وفایی، سراج المحتاج، الطباق الذهب، شهاب ثاقب و رساله الجبر و التفویص بجای مانده است. وفایی شوشتری مقام حضرت ابوالفضل برای امام حسین (ع) را مانند مقام حضرت علی (ع) و حضرت جعفر برای پیامبر توصیف می‌کند و در بیت دیگری جایگاه جانبازی قمر بنی هاشم را چنان بالا می‌برد که می‌گوید جعفر ذوالجناحین باید افتخار کند که مانند تو جانباز گردیده است.

همیشه باد در انکار و جهل چون بوجهل کسی که فضل ابوالفضل را کند انکار

چنانکه بود پیمبر تویی برای حسین نظیر جعفر طیار و حیدر کزار

روا بود، که به بی دستی افتخار کند چو با تو آمده همدوش جعفر طیار

(وفایی شوشتری، ۱۳۱۰: ۹۴)

حکیم ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی بلخی در سال ۳۹۴ هجری قمری در بلخ تولد و در سال ۴۸۱ هجری قمری در یمگان وفات یافت. (ناصرخسرو، ۱۳۵۷: ۵) ناصر خسرو در ابیاتی اشاره به واقعه بیعت رضوان یا بیعت شجره دارد او در بین کسانی که زیر درخت با پیامبر بیعت کردند از حضرت جعفر نام می‌برد و در ابیات بعدی اشاره به باوری دارد که همه بیعت کنندگان زیر شجره یاران واقعی پیامبر و اهل بهشتند.

یک روز بخواندم ز قرآن آیت بیعت	کایزد به قرآن گفت که «بد دست من از بر»
آن قوم که در زیر شجر بیعت کردند	چون جعفر و مقداد و چو سلمان و چو بوذر
گفتم که «کنون آن شجر و دست چگونه است،	آن دست کجا جویم و آن بیعت و محضر؟»
گفتند که «آنجا نه شجر ماند و نه آن دست	کان جمع پراگنده شد آن دست مستر
آنها همه یاران رسولند و بهشتی	مخصوص بدان بیعت و از خلق مخیر»

(ناصرخسرو، ۱۳۵۷: ۵۰۸)

بیت اول در عبارت «بد دست من از بر»، طبق آیات قرآن کریم بیعت با پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله، مصداق بیعت با خداوند است و دست خدا بالای دست بیعت کنندگان است: «در حقیقت کسانی که با تو بیعت می‌کنند جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند دست خدا بالای دستهای آنان است پس هر که پیمان شکنی کند تنها به زیان خود پیمان می‌شکند و هر که بر آنچه با خدا عهد بسته وفادار بماند به زودی خدا پاداشی بزرگ به او می‌بخشد.» (فتح، ۱۰)

نکته ای که شاعر به آن توجه نداشته این است که جعفر (ع) یک سال بعد و همزمان با فتح خیبر از حبشه برگشت (ابن اثیر، ۱۹۶۵ ج ۱: ۵۴۱) (امین عاملی، ۱۴۲۱ ج ۴: ۱۲۰) و در بیعت رضوان حضور نداشته است.

شعر سرودن حضرت جعفر:

قدیمی ترین نظم تاریخی فارسی در مورد حضرت جعفر (ع) که واقعه ای تاریخی را بیان کند احتمالاً از منوچهری می باشد. ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد دامغانی شاعر نیمه اول قرن پنجم هجری قمری است.

آنچه از شعر منوچهری بر می آید آن است، که شاعران در زمان منوچهری مورد مذمت مردم بوده

اند و منوچهری در گلایه‌ای نسبت به این وضعیت و دفاع از شعر و شاعری، به دعای پیامبر نسبت به حسان بن ثابت و همچنین به شعر گفتن پیامبر و بزرگان اسلام از جمله حضرت جعفر اشاره می‌کند و احتمالاً تلمیحی به اشعار رجزخوانی ایشان (الواقدی، ۱۴۱۴ ج ۲: ۷۶۰) (ابن هشام، ۱۳۵۵ ج ۲: ۳۷۸) در جنگ موته قبل از شهادتشان می‌باشد.

گر مدیح و آفرین شاعران بودی دروغ	شعر حسان بن ثابت کی شنیدی مصطفی
بر لب و دندان آن شاعر که نامش نابغه	کی دعا کردی رسول هاشمی خیرالوری
شاعری عباس کرد و طلحه کرد و حمزه کرد	جعفر و سعد و سعید و سید ام القری
ور عطا دادن به شعر شاعران بودی فسوس	احمد مرسل ندادی کعب را هدیه ردی

(منوچهری، ۱۳۷۳: ۱۵۱)

ابن هشام رجزخوانی و اشعار ایشان هنگام جنگ را اینگونه نقل می‌کند:
 "قاتل حتی قتل و هو يقول: يا حَبِذا الجنة و اقترابها* طيبة و باردا شرابها* و الروم روم قد دنا عذابها* كافرة بعيدة أنسابها* علي إذ لاقيتها ضرابها" (ابن هشام، ۱۳۵۵ ج ۲: ۳۷۸)
 چه خوب است بهشت و چه نزدیک است و چه آب پاکی و خنکی دارد. و رومی‌ها در مانده‌اند و عذابشان نزدیک است؛ آنها ملتی کافر و بیگانه‌اند. بر من لازم است که در جنگ آنان را متلاشی سازم.

داستان هجرت حضرت جعفر به حبشه

یکی از برهه‌های پر افتخار زندگی حضرت جعفر مهاجرت وی به حبشه و دفاع از اسلام در مقابل نمایندگان مشرکان است. در مورد قدرت بیان و نفوذ کلام ایشان روایت شده زمانی که نجاشی مهاجرین را طلبید تا در مورد دینشان بپرسد، پس از بیانات جعفر بن ابیطالب و قرائت آیات قرآن توسط ایشان نجاشی از شنیدن آیات قرآن چنان گریست که قطرات اشک ریش انبوه و صورتش را فرا گرفت. (ابن اسحاق، ۱۳۹۸: ۲۱۵)

امیر معزی تنها شاعری است که به داستان هجرت و سخنوری حضرت جعفر در مقابل نجاشی و نماینده مشرکان اشاره دارد و به پیروزی حضرت جعفر در تلمیحی پرداخته است:

با نجاشی عم تو پیمان چو کرد اندر حبش	تو به یک پیغام با قیصر همان پیمان کنی
--------------------------------------	---------------------------------------

(امیرمعزی، ۱۳۸۵: ۶۲۴)

دلیری و جنگاوری حضرت جعفر

کمال الدین اسماعیل بن محمد بن عبدالرزاق اصفهانی، معروف به خلاق المعانی، آخرین قصیده سرای بزرگ فارسی، شاعر نیمه نخست قرن هفتم هجری و متوفای ۶۳۵ هجری قمری است، او در پایان قصیده بلندی، خداوند را به مقام صالحان و شهدا قسم می دهد، در این ابیات حضرت حمزه و جعفر طیار علیهما السلام مظاهر بزرگ رشادت و شهادت معرفی گردیده و در بیانی ادبی حضرت حمزه (ع) به عنوان قلب لشکر اسلام و حضرت جعفر بن ابی طالب (ع) به عنوان بال های لشکر اسلام معرفی می گردد:

بهر دو مردمک چشم خانه عصمت باهل صفه و جمع مهاجر و انصار
بجان پاک شهیدان که قلب لشکرشان ز حمزه بود و جناحش ز جعفر طیار
(کمال الدین اسماعیل، ۱۳۴۸: ۱۲۷)

اشتیاق بر حمله و پی کردن اسب خود:

ابوحنیفه اسکافی غزنوی از شاعرانی است که از تولد و وفاتش تاریخی در دست نیست و در آثار دیگرانی چون بیهقی و سنایی از او یاد گردیده است. اسکافی که در دربار ابراهیم بن مسعود غزنوی مقامی داشته است در سال ۴۵۱ هجری قمری که تاریخ بیهقی نوشته شده است، جوانی بوده که در شعر، فقاقت، دانش و ادب مورد ستایش ابوالفضل بیهقی بوده است. (اختر، ۱۳۵۷: ۳۰۲) اشعاری از او در تاریخ بیهقی آمده است از آن جمله است قصیده ای که وی به درخواست بیهقی در مدح سلطان محمود غزنوی و پادشاهی کوتاه مدّت امیرمحمّد و سلطنت امیرمسعود سروده است. اسکافی در یکی از ابیات این قصیده به سلحشوری و حرص بر جنگ حضرت جعفر در جنگ موته، که ایشان برای نشان دادن پایداری و شجاعت خود در مقابل دشمن اسب خود را پی نمود (طبری، ۱۴۰۳ ج ۲: ۳۲۱) اشاره دارد:

نَعُوذُ بِاللّٰهِ اِذَا زَانَ يَكِي شُوْد مُثْلَه ز حرص حمله بود همچو جعفر طیار
(بیهقی، ۲۵۳۶: ۲۸۲)

شاعر در اینجا حرص بر حمله بر دشمن و سلحشوری جعفر بن ابیطالب را مثال می زند و اینکه اگر ممدوحان شاعر خدای نکرده در میدان جنگ تکه تکه شوند بخاطر این است که آنها مانند جعفر طیار حرص بر حمله بر دشمن داشته اند تا لحظه آخر عمرشان. معمولاً در کشاکش نبرد جنگاوران سعی می کردند اسب رقیب را پی کنند، اما جعفر بن ابی طالب در جنگ موته، وقتی در محاصره قرار

گرفت از اسب پیاده شد و اسب خویش را پی کرده تا آخرین نفس با کفار مبارزه نمود. پی کردن اسب توسط ایشان مراد از این است که قصد رفتن از معرکه ندارد. عموماً خود پیاده شدن از اسب هم معنایش سلحشوری و از هیچ نترسیدن است. حضرت جعفر اولین رزمنده مسلمان است که اسب خود را پی نمود. (ابن هشام، ج ۲: ۳۷۸)

ابن هشام می‌نویسد: جعفر بن ابی طالب پرچم را به دست راست گرفته بود که آن را قطع کردند، سپس پرچم را به دست چپ گرفت که آن را هم قطع کردند. سپس آن را با بازوهایش بر سینه‌اش چسبانید تا او را به شهادت رساندند و در این حال سی و سه ساله بود. (ابن هشام، ج ۲: ۳۷۸)

قطع شدن دستان حضرت جعفر و اعطای بال‌های بهشتی به ایشان:

واعظ بیهقی تراژدی شهادت جعفر بن ابیطالب را در نثر و نظم زیبایی بیان کرده است. ابوسعید (ابوعلی) حسن بن حسین واعظ بیهقی زنده در ۷۵۳ یا ۷۵۷ از علمای شیعه قرن هشتم قمری و معاصر فخرالمحققین و شهید اول بوده است. وی در زمان حکومت سربداران می‌زیسته است. او در آثارش از خود با عنوان حسن شیعی سبزواری یاد می‌کند. واعظ بیهقی در شأن نزول آیه ۱۵۶ سوره بقره، با ذکر روایتی از امام صادق (ع) این آیه را در مورد صبر و استرجاع حضرت علی (ع) بر مصیبت شهادت حضرت جعفر می‌داند و به همین مناسبت داستان شهادت ایشان را بیان می‌کند:

امام صادق علیه السلام گوید: (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ج ۲: ۱۲۰) این هم (و بشر الصابرين) در حق وی (امیرالمؤمنین علیه السلام) است که رسول صل الله علیه و آله برادرش جعفر طیار را به موته فرستاد. کفار پیش آمدند و چند کس از مردان وی هلاک کردند. جعفر رایت بدست گرفت و بر ایشان حمله کرد. جبرئیل آمد و رسول صل الله علیه و آله را خبر داد - و حق تعالی حجاب برداشت تا رسول صل الله علیه و آله معرکه ایشان می‌دید. ملعونی در آمد و تیغی بزد و دست راست جعفر را بینداخت. جعفر رایت، بدست چپ گرفت و می‌گفت:

لا بأس لما قطعت يميني معي شمالي و قوی دینی

اگر برد دشمن زمن دست راست ز دین و ز مردیم چیزی نکاست

حرام زاده ای در آمد و دست چپش نیز بینداخت. جعفر روی به سوی رسول کرد و گفت: السلام عليك يا رسول الله سلام مودع لا سلام زائر؛ آن ملاعین گرد وی رد آمدند و وی را شهید کردند و نیزه‌ها به وی فرو بردند و نیزه‌اش از زمین برداشتند. پادشاه عالم وی را زنده گردانید و دو بال داد تا از سر نیزه بر پرید و به آسمان شد - و اینجاست که او را جعفر طیار خوانند. (مقدم، ۱۳۷۹: ۱۲۱)

ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی یا حکیم سنایی، شاعر و عارف فارسی‌زبان قرون پنجم و

ششم هجری، در سال ۴۷۳ هجری قمری در غزنین دیده به جهان گشود و در ۵۳۵ قمری چشم از جهان فرو بست. (سنایی، ۱۳۸۱: ۹) سنایی در **حديقة الحقیقه و شریعة الطریقه** به داستان اعطای پر به حضرت جعفر اشاره می کند:

دست در باخت در رهش جعفر داد ایزد به جای دستش پر

(سنایی، ۱۳۲۹: ۱۰۸)

فریدالدین ابوحامد محمد عطار نیشابوری مشهور به شیخ عطار نیشابوری، زاده‌ی حدود ۵۴۰ هجری قمری در نیشابور و درگذشته ۶۱۸ هجری قمری (عطار، ۱۳۶۸: ۲۶) یکی از عارفان، صوفیان و شاعران سترگ و بلندنام ادبیات فارسی است. عطار نیز مانند بسیار دیگر از شاعران یکی از موارد مدح حضرت رسول (ص) را پسر عموی بزرگوار ایشان می داند:

جعفر طیار را پر بر نهد شهر دین را از علی در بر نهد

(عطار، ۱۳۸۵: ۱۲۹)

سنایی بنیانگذار شعر عرفانی و عطار اعتلا دهنده این ژانر ادبی می باشد اما آنکه شعر عرفانی را به اوج رساند مولوی بلخی می باشد.

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی مشهور به مولوی شاعر بزرگ قرن هفتم هجری قمری است. مولوی ابیات بسیار فراوانی همچون دو شاعر عرفانی سرای پیش از خود در مورد حضرت جعفر دارد که یا در بیان اسطوره عرفانی حضرت جعفر می باشد و یا به جهت سمبل و الگوی رهایی و پرواز و اوج گرفتن و تعالی مطرح گردیده است. گرچه ابیات مولوی صبغه عرفانی دارد با اینحال اشاره به رویداد تاریخی قطع شدن داستان حضرت جعفر در موته دارد:

گر مثل خواهی به جعفر در نگر داد حق بر جای دست و پاش پر

(مولانا، ۱۳۷۵: ۶۲۹)

میرزا محمد باقر صامت بروجردی معروف به صامت بروجردی و متخلص به صامت ۱۲۶۳- ۱۳۳۳ هجری قمری، یکی از شاعران مذهبی و مدیحه سرایان قرن سیزدهم و چهاردهم ایران است. بیشتر آثار صامت بروجردی را مرثیه‌های مذهبی در ستایش امامان شیعه و نیز نوحه‌ها و اشعاری در توصیف عاشورا تشکیل می دهد.

بود دست دوم از این چار دست جعفر طیار شاه حق پرست

چون به جنگ موته شد در راه دین	قطع دستش از یسار و از یمین
جانفشانی کرد چندان تا بلند	بر سر نی شد تن آن ارجمند
پس دعا فرمود ختم انبیا	تا دو بال سرخ شد بر وی عطا
از سر نوک سنان شد پر زنان	جعفر طیار در باغ جنان
از زبان سید یاسین حسب	گشت جعفر ذوالجناحینش لقب

(صامت بروجردی، ۱۳۴۸: ۱۷۰)

حضرت جعفر طائر بهشتی:

در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده که شبی را در بهشت وارد شدم، در حالی که جعفر با ملائکه پرواز می کرد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲ ج ۲۷۷) پرواز در بهشت و پران شدن جناب جعفر در ده ها بیت از شاعران قدیم فارسی آمده است.

شرف الشعراء امیر بدرالدین قوامی خباز رازی از شاعران معروف نیمه ی اول قرن ششم هجری است که به مواظط حکم و مناقب خاندان رسالت شهرت دارد. قوامی در ابیات پیش رو به پرواز حضرت جعفر در بهشت اشاره می کند:

سرای شرع نبی را علی ستون بناست	دگر چه آید و خیزد همی ز رنگ و نگار
به علم و عصمت و مردی سؤالها کردیم	علی جواب همی آمد از در و دیوار
قصیده های قوامی قیامت سخن است	که طیر بهشت است جعفر طیار

(قوامی، ۱۳۳۴: ۱۲۳)

کمال الدین ابوالعطاء محمود بن علی بن محمود، معروف به خواجوی کرمانی از مشاهیر شعرا و عرفای قرن هفتم هجری است. وی در سال ۶۸۹ هجری قمری در کرمان متولد شد و در همانجا به تحصیل علوم و فنون متداول مشغول شد. سپس به سیر و سیاحت پرداخت، به زیارت کعبه رفت و بعدها نیز مدتی در تبریز و شیراز به سر برد. وی به غیر از دیوان قصاید و غزلیات، خمسه نظامی گنجوی را نیز جواب داده است. خواجوی کرمانی در سال ۷۵۳ هجری قمری در شهر شیراز دار فانی را وداع گفت، وی نیز ابیاتی دارد که به این حادثه تاریخی اشاره دارد:

بخون خلق حسین و بحسن خلق حسن	بجد و جهد و جهاد مهاجر و انصار
بسوز و ساختن صابرين فی الآفات	بآه و زاری مستغفرین بالاسحار
بنزعت چمن بوستانسرای هدی	که طایرست از آن روضه جعفر طیار

(خواجوی کرمانی، ۱۳۳۶: ۵۰)

نتیجه گیری:

حضرت جعفر (ع) یکی از چهره های بسیار پر بسامد در ادبیات نثر و نظم فارسی است بخصوص کثرت نامگذاری افراد به نام جعفر در قلمرو اسلامی نشان دهنده عظمت، احترام و علاقه مسلمانان در ادوار مختلف به این شخصیت والای اسلامی است.

بررسی دهها شعر از قرون اولیه اسلامی تا پایان قاجاریه در مورد حضرت جعفر نشان می دهد که ایشان در ژانرهای مختلفی مورد توجه شاعران بوده اند که در ژانر تاریخی که بیشترین حضور ایشان در شعر فارسی به اشعاری مربوط می شود که روایات مباحثات و افتخار پیامبر (ص)، حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) به جعفر (ع) را بیان می دارد البته اشعار بسیار فراوانی نیز از این گونه وجود دارد که جزو اشعار و مراثی عاشورایی بوده و به دلیل اینکه بخشی از زندگی ایشان را روایت نمی کند و علاوه بر آن بسیاری از این اشعار مبتنی بر روایات تاریخی نبودند در این مقاله ذکر نگردید. داستان هجرت به حبشه با اینکه روایات متعددی در مورد آن وجود دارد کمتر در شعر فارسی منعکس گردیده است که جای بررسی دارد.

دلیری و سلحشوری و همچنین شهادت تراژیک حضرت جعفر (ع) و مخصوصاً اعطای بال های بهشتی به ایشان موضوع بسیاری از اشعار فارسی کهن هستند که نشان دهنده علاقه فارسی زبانان به ادبیات حماسی می باشد.

منابع

• قرآن کریم

کتاب

۱. ابن اثیر علی بن ابی الکرم، الكامل فی التاريخ، بیروت، دارصادر-داربیروت، ۱۹۶۵م
۲. ابن اسحاق السیر والمغازی، تحقیق سهیل زکار، دارالفکر، بیروت، الطبعة الاولى ۱۳۹۸ هـ
۳. ابن الاثیر عزالدین، أسد الغابة في معرفة الصحابة، دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۵ ق
۴. ابن شهر آشوب محمد بن علی، مناقب آل أبي طالب، تصحیح آشتیانی، محمدحسین و رسولی، هاشم؛ علامه، قم، ۱۳۷۹
۵. ابن کثیر ابوالفداء ابن کثیر الدمشقی، الطبعة الاولى ۱۴۰۸ هـ-۱۹۸۸ م، دار الریان للتراث
۶. ابن هشام السیرة النبویة، عبد الملك بن هشام، دار المعرفة، بیروت، ۱۳۵۵ ق
۷. ابومخنف الازدی مقتل الحسین، حسین الغفاری، مكتبة العلمیة، قم، ۱۳۹۸ ق
۸. ادیب الممالک فراهانی میرزا اصغر، دیوان اشعار، مطبعة ارمغان، ۱۳۱۲
۹. ادیب صابر دیوان اشعار، مصحح علی قویم، کتاب فروشی خاور، تهران ۱۳۳۱
۱۰. الواقدی ابوعبدالله محمد بن عمر، کتاب المغازی للواقدي، تحقیق مارسدن جونز، مکتب الاعلام الاسلام، ۱۴۱۴ ق
۱۱. الهامی کرمانشاهی، احمد، انسانی، علی، شاهد نامه (چهار خیابان باغ فردوس)، سازمان تبلیغات اسلامی. شرکت چاپ و نشر بین الملل - تهران، ۱۳۹۴
۱۲. اصفهانی ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، نجف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ ق
۱۳. امیر معزی نیشابوری محمد بن عبدالمملک، کلیات دیوان امیر معزی نیشابوری به اهتمام محمدرضا قنبری، زوار، تهران، ۱۳۸۵
۱۴. امین عاملی سید محسن، اعیان الشیعة، بیروت، دار التعارف، ۱۴۲۱ ق
۱۵. بیهقی ابوالفضل، تاریخ بیهقی، به تصحیح دکتر علی اکبر فیاض، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ دوم، شهریور ۲۵۳۶
۱۶. دیوان خواجهی کرمانی، به اهتمام و تصحیح احمد سهیلی خوانساری، انتشارات محمودی، تهران، ۱۳۳۶
۱۷. ربیع، علی نامه منظومه ای کهن، تصحیح رضا بیات و ابوالفضل غلامی، میراث مکتوب،

۱۳۹۰

۱۸. سنایی مجدود بن آدم، حقیقة الحقیقة و شریعة الطریقة، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، چاپخانه سپهر، تهران، ۱۳۲۹
۱۹. سنایی ابوالمجد مجدود بن آدم، دیوان حکیم سنایی غزنوی بر اساس مهتبرترین نسخه ها، مقدمه بدیع الزمان فروزانفر به اهتمام پرویز بابایی، نشر آزادمهر، تهران، ۱۳۸۱
۲۰. سید رضی، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، نشر هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری
۲۱. سیدنژاد سیدرضی، اسوه های جاویدان: سیری در زندگانی اصحاب وفادار پیامبر اکرم(ص)، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، قم، ۱۳۸۹
۲۲. شوشتری محمدتقی، قاموس الرجال، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۴ق
۲۳. صامت بروجردی محمد باقر، کلیات دوازده جلدی دیوان صامت بروجردی، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۴۸
۲۴. طبرسی احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، خراسان، محمد باقر، نشر مرتضی، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق
۲۵. الطبري أبی جعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک، الجزء الثاني، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ ق
۲۶. عطار نیشابوری فریدالدین، دیوان عطار، به اهتمام تقی تفضلی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۶۸
۲۷. عطار نیشابوری فریدالدین، مصیبت نامه، تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۵
۲۸. قوامی رازی بدرالدین، دیوان شرف الشعراء بدرالدین قوامی رازی، تصحیح میرجلال الدین حسینی ارموی، چاپخانه سپهر، تهران، ۱۳۳۴
۲۹. کمال الدین اسماعیل اصفهانی ابوالفضل، دیوان خلاق المعانی ابوالفضل کمال الدین اسماعیل اصفهانی، به کوشش دکتر حسین بحر العلومی، انتشارات کتابفروشی دهخدا، تهران، ۱۳۴۸
۳۰. مجلسی محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار(ع)، دار إحياء التراث العربي، بیروت، ۱۴۰۳ق

۳۱. مغربی نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۴ ق

۳۲. مفید محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ ق

۳۳. مقدم کاظم، داستان عارفان، منتخب مصابیح القلوب حسن بن حسین واعظ بیهقی، انتشارات حافظ نوین، تهران، ۱۳۷۹

۳۴. منوچهری ابوالنجم احمد، گزیده اشعار منوچهری دامغانی شادی ها و تصویرها، دبیرسیاقی سید محمد، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۳

۳۵. مولانا جلال الدین محمد، مثنوی معنوی، به تصحیح عبدالکریم سروش، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵

۳۶. ناصر خسرو قبادیانی، دیوان اشعار، به اهتمام مجتبی مینوی و مهدی محقق، موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل، تهران ۱۳۵۷،

۳۷. وفایی شوشتری ملا فتح الله بن حسن، دیوان اشعار، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، چاپ سنگی، ۱۳۱۰ ق

مقالات:

۳۸. هاشمی مهدی، تجلی حضرت حمزه در شعر کهن فارسی، مطالعات تاریخی جهان اسلام، ۱۴۰۰ - دوره: ۹ - شماره: ۲۰،

۳۹. اختر محمد سلیم، ابوحنیفه اسکافی، یغما، سال سی و یکم مرداد ۱۳۵۷ شماره ۵ (پیاپی ۳۵۹)